

چهارشنبه ۲ آذر ۱۴۰۱ ‏ ۲۸ ربيع‌الثانی ۱۴۴۴ - ‏ ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳ - ‏ سال بیست‌ویکم - ‏ شماره ۵۸۶۳

سال ۱۳۷۷ همزمان با آغاز شانزدهمین جام‌جهانی فوتبال که تیم ملی ایران هم در آن حضور داشت، ناصر حجازی، دروازه‌بان استپورهای فوتبال ایران یادداشتی را نوشته و در آن از سینما و بازیگری و پيشنهادهایی که برای بازی در فیلم داشته سخن گفته بود.

به گزارش ایسپنا، این یادداشت کوتاه در دوره‌ای که تیم فوتبال ایران پس از یک بازی دراماتیک با استرالیا و پیروزی در آن به جام‌جهانی راه یافته بود، در مجله سینمایی «فیلم» منتشر شد که به بهانه شروع بیست‌ودومین دوره جام‌جهانی بازنشر می‌شود. زنده‌یاد حجازی در بخش پایانی این نوشته، به تعویض مری تیم ایران پس از بازی‌های مقدماتی جام‌جهانی که جلال طلایی جایگزین والدری ویرا برزیلی شد، اشاره و نسبت به آن به نوعی انتقاد کرده بود. وی همچنین تاکید کرده که تماشاگران ایرانی بسیار دقیق و باهوش هستند و کوچکترین حرکت بازیکنان در زمین از چشمشان پنهان نمی‌ماند

متن این یادداشت به این شرح است:

«یکی از فیلم‌های خوبی که در زمینه فوتبال به یاد می‌آورم «فرار به سوی بیروزی» (بسه کارگردانی جان هوستون) بود که فیلم بسیار زیبایی هم بود. راز موفقیت آن هم محبوبیت همگانی فوتبال نزد مردم و حساسیت خاص‌شان نسبت به آن، و البته استفاده از چهره‌های محبوب و مشهور عالم سینما و فوتبال بود. به‌خصوص واکنش سیلوستر استالونه را به عنوان دروازه‌بان در انتهای فیلم خوب به خاطر می‌آورم و اینکه من هم در هنگام تماشا این صحنه، فکر می‌کردم که اگر من هم جای او



مدیر بخش فیلمنامه مرکز انیمیشن صبا اختصاص نیاقتن بودجه مناسب را علت ساخته نشدن انیمیشن‌های تأثیرگذار و ماندگار در حوزه ورزش و خصوصاً فوتبال می‌داند.

او معتقد است: «داشتن اسپانسر می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد. بخش فرهنگی فدراسیون‌های ورزشی و وزارت ورزش نیز می‌توانند با اختصاص دادن بخشی از بودجه فرهنگی خود، در این جهت کمک‌کننده باشند.»

چه کنیم برای موسیقی نواحی؟

آقایان صداوسیما! این هنرمندان را هم به آنتن راه دهید

۱۵ دوره از برگزاری جشنواره موسیقی نواحی می‌گذرد؛ جشنواره‌ای که هدف آن حمایت از موسیقی قومی ایران زمین، هنرمندان این حوزه و در نهایت ارتقاء فرهنگ عمومی در جامعه تعریف شده است. ولی مسئله‌ای که چندان‌ای هم برای هنرمندان نواحی، راه درآمد جدی دیگری را برای هنرمند موسیقی نواحی نمی‌توان متصور بود و این در حالی است که بسیاری از آنها به علت کمپولت سن دیگر نمی‌توانند شغل دیگری را در کنار فعالیت موسیقایی برای خود اختیار کنند و بسیاری از آنها بی آنکه هنرشان را به دیگری منتقل کنند متأسفانه از دنیا می‌روند. پس راه چاره چیست؟

در این میان نسوک یکی از فلش‌های اصلی، صداوسیما و برنامه سازانش را نشانه می‌گیرد. رسانه ملی همان طور که از تماش برمی‌آید، می‌تواند به جای پرداختن یبی رویه به موسیقی پاپ و خواننده‌های نواپی که به هر بهانه ای مقابل دوربین می‌آیند و به صورت پل‌ی بک اجرا می‌کنند، به این امید که شناسخته شوند و فردا روزی سالن‌های کنسرت‌هایشان را پر کنند، کمی هم از آنتن خود را نثار هنرمندان موسیقی نواحی کند

منیزه آرمین می‌گوید: با پیگیری متون ایرانی و آثار ادبی که برایمان باقی مانده و در اختیار داریم به سرچشمه‌های می‌رسیم که انتهای ندارد. موضوع این است که ما هنوز آنطور که باید به آثار و منابع ادیب‌مان نپرداخته‌ایم و چندین عمر لازم است تا بتولیم روی بخشی از ادبیات‌مان کار کنیم. به گزارش اپلنا، دیگر از آن دوران که میان هنرها و سینما، خط‌کشی‌ها و مراهب‌ی وجود داشت، سال‌ها گذشته است. به همین دلیل شاید بیره نباشد اگر بگوییم زندگی مدرن نوعی آمیختگی میان فرهنگ‌ها، تفکرات و هر آن چیزی است که در قالب نگرشی اجتماعی و حتی فردی بروز می‌یابد و خروجی آن در قالب آثارلی نو و آوانگارد پیش روی مخاطبان امروزی قرار می‌گیرد. این روند مدرن، هنرمندان ایرانی را هم تحت تأثیر قرار داده و آنها را بر آن داشته تا بسا وقفاری به هنر

بازخوانی یک یادداشت پس از ۲۴ سال

وقتی ناصر حجازی فوتبال را به سینما ترجیح داد



بودم نهایت تلاشم را برای گرفتن توپ می‌کردم. در واقع چاره‌ای جز این نداشتم؛ آن پتالتی باید مهار می‌شد. به جز این متأسفانه از آنجایی که کمتر برای تماشاای فیلم و سریال وقت دارم نمونه‌های دیگری را در این زمینه به یاد نمی‌آورم. واضح است که برای ساخت این نوع فیلم‌ها زحمت زیادی کشیده می‌شود، هرچند صحنه‌های مربوط به فوتبال در آن‌ها به عنوان فوتبال حرفه‌ای متقاعدکننده و پذیرفتنی نیست. از میان نمونه‌های دیگر سریال «به سوی افتخار» (به کارگردانی سیروس مقدم) را می‌توانم

چرا ساخت کارتون فوتبالی گران تمام می‌شود؟

ایران، جویبار در استان مازندران به قلم پرستو شاه محمدی نوشته شده است. او ادامه داد: این مجموعه دربراه زندگی جویباری که یک شخصیت حقیقی در کشتی ایران است، نوشته شده بود و جویباری به عنوان استاد کشتی از منطقه شمال ایران به نوجوانان، کشتی یاد می‌داد و در مسابقات کشتی نوجوانان در رده‌های مختلف شرکت می‌کرد.

سمیعی با بیان اینکه مجموعه «کشتی‌گیران» متوقف شده است، بیان کرد: ابلاغیه‌ها و فیلمنامه انیمیشن «کشتی‌گیران» مورد تایید و کارشناسی قرار گرفت اما این پروژه شش سال پیش متوقف شد و در حد فیلمنامه باقی ماند. همچنین شهرام شیرزادی درباره المپیک و جام جهانی کارهای باکیفیتی تولید کرد که احتمالاً برای جام جهانی امسال هم از شبکه‌های سه و ورزش پخش خواهد شد.

مدیر بخش فیلمنامه مرکز انیمیشن صبا به مجموعه «کشتی‌گیران» اشاره کرد و گفت: در حوزه فیلمناه مجموعه ۱۰۰ قسمتی «کشتی‌گیران» را داشتیم که از مهد کشتی

به علاوه، از خصوصیات شخصیتی و ذاتی خودم هم اطلاع دارم و می‌دانم شخص محبوبی هستم که زیاد به درد کار در سینما به خصوص بازیگری نمی‌خورم و شاید نتوانم در سینما موفق باشم. آقایان علی عباسی، امیر شروان، ایرج قادری و خانم پوران درخشنده در قیل و بعد از انقلاب به من پیشنهاد بازیگری دادند. البته به خودم حق اظهار نظر علمی درباره سینما را نمی‌دهم ولی واضح است که پس از انقلاب فیلم‌ها و سریال‌ها پر محتواتر شده و دیگر از الودگی‌هایی که اصلاً با فرهنگ ما مغایرت دارد در آن‌ها خیری نیست. شخصاً فیلم‌های «گون‌ها»، «ده فرمان»، «سیار تاکوس» و بیشتر فیلمهای ابوالفضل پورعرب را دوست دارم. همانطور که گفتم زیاد در جریان سینمای روز نیستم و بیشتر فیلم‌های آموزش و تدریس فوتبال را تماشا می‌کنم ولی قدر مسلم آن که تا رسیدن به سینمای درجه یک جهان، راه درازی در پیش داریم.

تیم ملی فوتبال ما در آستانه حضور در جام جهانی است. بسه من حق بدهید که به علت علاقه و تعصب خاصی به فوتبال دارم دلپره عجیبی داشته باشم. متأسفانه حدس می‌زنم که حضور موفقیت‌آمیزی نداشته باشیم به خصوص که تعویض مریی در موفقیتی چنین حساس کار بسیار اشتباهی است چون مربیان جدید وقت کافی برای خو دادن بازیگران با روش تازه را ندارند. نباید تماشاگر صدیق و عاشق فوتبال، و احساسات او را به بازی گرفت زیرا رکن اصلی و اساسی فوتبال – اساساً هر ورزشی – تماشاگر است و به خصوص تماشاگران ما که بسیار دقیق و باهوش هستند و کوچکترین حرکت بازیکنان در زمین از چشمشان پنهان نمی‌ماند و زیر ذره بین آن‌ها رد می‌شود.»

سیمیا فیلم‌نویس انیمیشن «کشتی‌گیران» در کنار بازیگران فیلم

چرا ساخت کارتون فوتبالی گران تمام می‌شود؟

بسیار اشتباهی است؛ زیرا دو مقوله مجزا و متفاوت است. در این صنف به فیلمنامه‌نویسان اهمیت داده نمی‌شود اما تهیه‌کننده‌ها، کارگردان‌ها و انیماتورها می‌توانند در آن صنف عضو شوند و از خدمات صنف استفاده کنند. سمیعی افزود: در صدا و سیما دو واحد فیلم‌نامه‌نویسی انیمیشن در مرکز سیما فیلم و مرکز صبا وجود دارد. البته ممکن است سیمیا فیلم صنف فیلمنامه‌نویسی انیمیشن را داشته باشد اما در مرکز صبا ما چنین چیزی نداریم.

او ضمن درخواست از وزارت ورزش برای اختصاص دادن بودجه به این صنعت هنر، عنوان کرد: ما وقتی خودمان با کمبود بودجه مواجه هستیم باید سفارش بگیریم و مرجع سفارش دهنده می‌تواند وزارت ورزش باشد. باکیفیتی تولید کرد که احتمالاً برای جام جهانی امسال هم از شبکه‌های سه و ورزش پخش خواهد شد.

سیمیا فیلم‌نویس انیمیشن «کشتی‌گیران» در کنار بازیگران فیلم

او در ارتباط با صنف فیلمنامه‌نویسی انیمیشن گفت: ما چیزی به عنوان صنف فیلمنامه‌نویسی انیمیشن نداریم و فیلمنامه‌نویسی انیمیشن در دل انیمیشن تعریف می‌شود که اتفاقاً کار



اصول تا بدین گونه اثری اجرا شود که بیشتر مورد پذیرش باشد.

سیمیا

کافی است موسیقی نواحی در صداوسیما دیده و شنیده شود و ادامه هم صحبتی داشتیم با محمد نعیمی، سرپرست گروه رامیان قزلباش. در ابتدا از او درباره تعدد برگزاری جشنواره‌های مختلف مختص موسیقی نواحی سوال کردیم. پاسخ می‌دهد: اینکه تعداد جشنواره‌ها بیشتر شود خوب است ولی اینکه یک جشنواره در طول یک سال هر ماه در استان‌های مختلف برگزار شود خیلی امر جالبی نیست و از ارزش آن می‌کاهد. مهم این است که حمایت از هنرمندان و نوازندگان بیشتر شود تا سطح و کیفیت آن بالاتر برود نه کمیت.

او ادامه می‌دهد: مردم به هر حال موسیقی نواحی را می‌بینند و می‌شنوند ولی اگر انعکاس آن از طریق صدا و سیما انجام شود مخصوصاً سیما، حتی اگر جشنواره‌ها دو سال یک بار هم برگزار شود، آن چیزی که باید دیده شود، دیده خواهد شد.

از نعیمی سوال می‌کنیم که جشنواره موسیقی نواحی چه کند که در ابعاد مناسب

یک نویسنده و هنرمند عرصه تجسمی مطرح کرد

هنر به خودی خود برای خلق آثار هنری کافی نیست

آثار هنری با مضامین مهم و با ساختاری نو می‌پردازند و بپموند این مسیر دشوار برایشان جدی و عمیق‌ش است. منیزه آرمین یکی از هنرمندان عرصه تجسمی است که علاوه بر فعالیت‌های مدیریتی و عملی که داشته، تلاش دارد خود را با دنیای امروز هماهنگ و هم‌سو کند. او سرفالگر، پرژه‌ساز و مدرس هنر است و ادبیات است. نگارش و تألیف هم برایش مقوله‌ای بسیار جدی است. آرمین که سال‌ها معلم آموزش و پرورش بوده صرفاً یک مخاطب و دوست‌دار ادبیات نیست؛ بلکه خودش نویسنده و مولف و پژوهشگر عرصه ادبیات است و آثار متعددی را روانه بازار نشر کرده است.

«کیمیاگران نقش» یکی از آثار این هنرمند پیشکسوت است که به زندگی داستانی هفت نقاش مطرح می‌پردازد. «شخصیت‌شناسی در هنرنوی و همپند کردن سبک و سبک‌های خورشید مُرد»، «بوی خاک» برخی از آثارى هستند که توسط منیزه آرمین به رشته تحریر درآمده‌اند و تألیف شده‌اند. «حکایت پرواز روح» و «برگزیده ادبیات معاصر» (داستان شانزدهم) نیز آثار دیگری از منیزه آرمین هستند که اولی به «منطق الطیر» اثر عطارد نیشابوری می‌پردازد.

ادبیات بر ساختار فکری هنرمند بسیار مؤثر است

منیزه آرمین ابتدا به تأثیر ادبیات بر هنر

فرهنگی

نکاه

چرا فارسی از زبان‌های ایرانی دیگر پیشی گرفت؟

در میان همه زبان‌های ایرانی تنها یک زبان است که در همهٔ مراحل شناخته و بررسی شده و از آثار فرهنگی برخوردار بوده و آن فارسی است.

به گزارش ایسپنا، زبانی که به آن سخن می‌گویم و می‌نویسیم زبانی است آسان و توانا و زیبا با پیشینه‌ای بسیار کهن و روشن.

زبان ملی کنونی ما حتی در روزگاران باستانی به‌عنوان زبان رسمی فرهنگی در ایران به‌کار می‌رفته است.

شمار گویش‌هایی که در آبادی‌ها و شهرها یا شهرستان‌ها و استان‌های ایران به آنها سخن گفته می‌شد کم نبود ولی ایرانیان هوشیار روشن‌بین که به همستگی و یگانگی ملی خویش هموار سخت دل بستگی دارند و آن را نه‌تنها بسیار گرامی بلکه مقدس می‌شمارند از دربارز دریافته بودند که یک ملت راستین با فرهنگ نازیمند زبان یگانه‌ای است که نه فقط برای گفت‌وگوهای روزانه بلکه برای بیان همهٔ اندیشه‌ها و خواسته‌های گوناگون فرهنگی و فنی و صنعتی توانایی داشته باشد تا ارتباط و تفاهم را همیشه به آسانی میان آنان برقرار دارد. به سبب همین دریافت بود که فارسی بر زبان‌های ایرانی دیگر برتری و پیشی گرفت و آرزوها و اندیشه‌های والا و دانش و هنر ایرانیان به آن نوشته و سروده شد در ترجمه فارسی تفسیر لطبری که یکی از کهن‌ترین نوشته‌های موجود فارسی است چنین آمده است:

«این کتاب نیشته به زبان تازی و به اساندهای دراز بود و بیابوردندسوی امیرسید مظفر ابوصالح منصور بن نوح پس دشخوار آمد بروی خواندن این کتاب و عبارت کردن آن به زبان تازی و چنان خواست که مر این را ترجمه کند به زبان پارسی پس علماء ماورالنهر را گرد کرد و این از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم گفتند روا باشد. خواندن و نیشتن تفسیر قرآن به پارسی هر م آن کس را که او تازی نانداز از قول خدای عزوجل که گفت و ماارسلنا من هوجول لایلینا قومه گفت م هر بیج پیغامبری را نفرستادم مگر به زبان او آن زبانی کایشان دانستند و دیگر آن بود کاین زبان پارسی از قدیم بازدانستند از روزگار آدم تا روزگار اسمعیل پیغامبر. همه پیغامبران و ملوکان زمین به پارسی سخن گفتندی و اول کس که سخن گفت به زبان تازی اسمعیل پیغامبر بود و پیغمبر ما صلی‌الله علیه از عرب بیرون آمد و این قرآن به زبان عرب بر او فرستادند و اینجا بدین ناحیت زبان پارسی است و ملوکان این جانب ملوک جم‌اند.»(رسم‌الخط این نوشته که به‌نظر می‌رسید ایرداتی دارد، حفظ شده است.)

می‌دانیم که مردم ماوراءالنهر گویش‌هایی داشتند و یکی از آنها به نام سغدی، چند سده در نوشتن به‌کار رفته و آثار ادبی داشته است ولی تفسیر طبری به فرمان پادشاه سامانی در آن سرزمین به زبان فارسی برگردانیده شد که زبان همگانی ایرانیان بود و هست و نه به سغدی که زبان یک دسته از آنان بود.

تنها شهریاران سامانی یا صفاری و پادشاهان ایرانی دیگر بلکه همهٔ ایرانیان فارسی را بسیار بزرگ و گرامی می‌دانشتند.

زبان‌شناسان در فرگشت یعنی تحول زبان‌های ایرانی در درازای تمام تاریخ سه مرحله تشخیص داده و آنها را باستانی و میانه و نوین نامیده‌اند. در میان همهٔ زبان‌های ایرانی تنها یک زبان است که در این هر سه مرحله شناخته و بررسی شده و از آثار فرهنگی برخوردار بوده است و آن فارسی است. تقریباً همه زبان‌های ایرانی دیگر را فقط در یک مرحله و در یک دوره کوتاه می‌شناسیم. چون فرهنگ هر ملت حاصل اندیشهٔ آنان و به‌کار بستن آن در زندگانی است و زبان وسیلهٔ بیان اندیشه و بلکه خود وسیله اندیشیدن است پس هر زبانی آینهٔ فرهنگ مردمی است که به آن سخن می‌گویند. فرهنگ عالی یزبان پرورده و زبان پرورده جداز فرهنگ عالی به وجود نمی‌آید. به همین دلیل فارسی آینهٔ فرهنگ ایرانی و گواه پروردگی و ولایی آن است.

کتاب «هنر و فرهنگ ایران» اثر سیمیا فیلم‌نویس انیمیشن «کشتی‌گیران»

اگر ایرانیان فارسی را از میان گویش‌ها و زبان‌های بسیار برگزیدند، اینک فارسی است که از هوش و دانش و هنر والا و کوشش دیرین و پیگیر آنان در راه پیشبرد فرهنگ و دانش سخن می‌گوید.

منبع: بخشی از مقالهٔ زبان فارسی نوشتهٔ صادق کیا، هفت هنر، زمستان ۱۳۴۹.

خبر کوتاه

«هریسون فورد» ۴۰ ساله می‌شود



«هریسون فورد» ۸۰ ساله برای بازی در پنجمین قسمت از سری فیلم‌های اکشن و ماجراجویانه «بندیاننا جونز» جوان می‌شود. به گزارش ایسپنا «جیمز منگولد» کارگردان

فیلم «بندیاننا جونز» که ساخت این مجموعه فیلم را از «استیون اسپیلبرگ» تحول گرفته، قرار است برای قسمت پنجم این فیلم، سکانسی را بسازد که در آن بندنگان می‌توانند شخصیت «بندیاننا جونز» با بازی «هریسون فورد» را بار دیگر در دوران اوج خود تجربه کنند. بر اساس اعلام شماره جدید مجله امپایر، سکانس آغازین فیلم «بندیاننا جونز ۵» در سال ۱۹۴۴ و حدود هشت سال پس از وقوع رویدادهای فیلم «مهاجمان صندوق گمشده» اتفاق می‌افتد و در آن با استفاده از فن‌آوری‌های جوانسازای، «هریسون فورد» به مبارزه نازی‌ها در یک قلعه می‌رود. همچنین از تصاویر فیلم قدیمی «بندیاننا جونز» و همچنین ژاکت اصلی این بازیگر در فیلم «مهاجمان صندوق گمشده» برای ایجاد بهتر این سکانس، استفاده شده است. استفاده از تکنیک‌های جوان‌سازی در آثار سینمایی کمتر مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته. همانطور که «لارنت دنبرو» در فیلم «هرد ایرلندی» و «کرت راسل» در فیلم «تکهپتان کهکشان ۲» چندان طبیعی به نظر نمی‌رسیدند اما «هریسون فورد» تاکید دارد که فیلم جدید «بندیاننا جونز» که هنوز عنوان خود آن فاش نشده‌با موفقیت از این فن‌آوری استفاده کرده است.

پس از این سکانس، فیلم جهتی به سالل ۱۹۶۹ دارد و در آنجا «هریسون فورد» را در شکل و شمایل امروزی‌اش در نقش «بندیاننا جونز» می‌بینیم و بسیاری از حوادث اکشن فیلم نیز در این بخش روی می‌دهد.

درگذشت بازیگری در ۹۰ سالگی



«میکي کوهن» آخرین بازمانده از نسل بازیگران فیلم کلاسیک «بر باد رفته» در سن ۹۰ سالگی در شهر ناپل ایتالیا درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از مجله پپیل، «میکي کوهن»

در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ میلادی، کودک بازیگری بود که فهرست بلند فیلم‌هایش، آثاری چون «بر باد رفته» و «توبووسی به نام هوس» را شامل می‌شد و او آخرین بازمانده از نسل بازیگران فیلم «بر باد رفته» بود که در نقش «بیو ویلکس» فرزند اشلی و ملانی ویلکس بازی می‌کرد که توسط «لسلی هاورد» و «ولویوا دی هاولیند» بازی می‌شد. با وجود رابطه مادر و پسرری «میکي کوهن» و «دی هاولیند» در فیلم «بر باد رفته» این دو هرگز بار دیگر در کنار هم مقابل دوربین نرفتند. «کوهن» در ۲۰۱۷ به روزنامه

ایتالیایی ناپل دیلی نیز گفت که اولین ملاقاتش با دی هاولیند تا سال ۲۰۰۶ میلادی، محسوب شده است CBS تیرماه ۲۰۰۶ را به پیش شغلی در هویچامپی آمریکا ایرلین به دست آورد و تا بازنشستگی در سال ۱۹۹۵ در آنجا مشغول به‌کار بود. فیلم چهار ساعته «بر باد رفته» در سالل ۱۹۳۹ به کارگردانی «ویکتور فلمینگ» به سه سینما آمد و «کلاسیک کبیل» و «ویوین لی» ایفای دو نقش اصلی آن را بر عهده داشتند. «لسلی هاورد»، «ولویوا دی هولیند»، «هتی مک‌دنیل» و «ان رادرفورد» از دیگر بازیگران این فیلم هستند.